

نویسنده:
رولاند ناؤل
ترجمه:
علی اصغر لاری
عضو هیأت علمی
دانشگاه شهید بهشتی

ریشه های تاریخی تربیت بدنی

در اوایل قرن نوزدهم مفاهیم گوناگونی در باره ی ورزش وجود داشت، ولی در نهایت تنها سه مفهوم اصلی از تربیت بدنی در مدرسه ها توسعه پیدا کرد که عبارتند از:

تیومن آلمانی^۱، ورزش لینگ^۲،

بازی ها و ورزش های

انگلیس^۳. بعد از سال

۱۸۵۰، هر سه مفهوم

تاریخی اصلی در سر تا

سر اروپا توسعه پیدا

کردند. ورزش

سوئدی لینگ تقریباً

در تمام اروپا و تیومن

آلمانی در برخی

کشورهای اروپایی از

جمله در غرب آن (برای

مثال، بلژیک و هلند)،

در شمال (فنلاند) و در

جنوب (ایتالیا، یونان)

پذیرفته شد و مدل های

جدیدی از ورزش و بازی در

دبیرستان های ملی انگلیس

گسترش یافت. در دهه های

۱۸۸۰ و ۱۸۹۰، در نظام آموزشی

دبیرستان های فرانسه، آلمان،

دانمارک، سوئد و هلند و برخی

کشورهای جنوب اروپا مثل یونان،

اسپانیا و پرتغال، اصلاحات بسیاری به

وجود آمد. فرایند توسعه شامل

روش های گوناگونی می شد که عبارت

بودند از: ترجمه ی کتاب های درسی

به وسیله ی مهاجران کشورهای دیگر،

اعزام هیأت های خارجی به کشورهای

گوناگون، و استخدام معلمان تربیت

بدنی در مدرسه ها و دانشگاه ها.

بعد از سال ۱۹۰۰، مفاهیم سنتی

ورزش لینگ سوئدی و تیومن آلمانی



ورزشی انگلیسی توسط بعضی از

کشورهای شمال آمریکا حالت تکاملی

پیدا کرد. برای مثال، YMCA در

دهه ی ۱۹۲۰ از گسترش بسکتبال و

والیبال در سرتاسر اروپا حمایت بسیار

زیادی به عمل آورد. در دهه های

۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، حکومت های

فاشیستی آلمان، ایتالیا و اسپانیا از انواع

ورزش ها برای رسیدن به هدف های

غیرانسانی خود استفاده نامشروع

کردند.

بعد از جنگ جهانی دوم، تربیت

دچار تغییرات بسیاری شدند. حتی در

برخی کشورهای اروپایی، تربیت بدنی

با مشارکت های ملی، توسعه ی

بیش تری یافت. قبل و بعد از جنگ

جهانی اول، تعدادی از طبیعت گرایان

جدید به نام های گول هوفر و استریچر^۴

از اتریش، هربرت^۵ از فرانسه و بوک^۶

از دانمارک، مفاهیم جدیدی را از

ورزش لینگ سوئدی و تیومن آلمانی

ارائه دادند. همچنین، بازی و حرکات

بعد از جنگ جهانی دوم تربیت بدنی در برخی از کشورها مورد توجه خاص قرار گرفت

تربیت بدنی به عنوان یک درس در مدرسه .

گاهی همه‌ی عناصر یاد شده در برنامه‌ی درسی مدرسه‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت، اما در برنامه‌های درسی برخی کشورها مانند آلمان غربی، فقط به دو عنصر اولیه توجه می‌شد. در دهه‌ی ۱۹۶۰، برخی کشورها به عنصر اول در برنامه‌ی درسی توجه نمی‌کردند و بیش‌تر روی روش‌های آموزشی و مفاهیمی که این چهار عنصر را گسترش می‌دادند، تأکید داشتند. به نظر می‌رسد در دهه‌ی ۱۹۶۰، مفهوم سنتی تربیت بدنی در کشورهای اروپایی، شباهت‌های بین فرهنگی داشته است. در این دوره تربیت بدنی اجباری می‌شود تا فعالیت‌های بدنی افراد هماهنگ‌تر شوند. در نتیجه، در برنامه‌ی آموزش و پرورش عمومی، از تربیت بدنی برای کامل کردن ویژگی‌های بدنی و گاهی برای ایجاد تعامل و توازن بین بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش عمومی، استفاده می‌شد.

فایده‌های تربیت بدنی اجباری عبارت بودند از: پیش‌بینی و ارزشیابی

هر کشوری، ویژگی‌های خاص خود را داشت. بیش‌تر مشابهت‌های موجود بین کشورهای اروپای غربی، ریشه در نقش تربیت بدنی داشت. به طور کلی، روش آموزش تربیت بدنی در اروپای غربی ریشه در سنت‌های بین فرهنگی کشورهای اروپایی و هسته‌های تربیت بدنی دهه‌ی ۱۹۶۰ دارد.

مفاهیم سنتی تربیت بدنی در دهه‌ی ۱۹۶۰

روش‌ها و چارچوب‌های گوناگونی درباره‌ی مفهوم تربیت بدنی در این دهه وجود داشت. دست‌کم چهار عنصری که کم و بیش با مفاهیم تربیت بدنی ارتباط داشتند، به وجود آمدند که عبارت بودند از:

۱. قانونمند کردن تربیت بدنی مدرسه‌ها،
۲. تعیین هدف‌ها در تربیت بدنی،
۳. روش‌های آموزشی و
۴. راهبردهای آموزش درس تربیت بدنی، ارزشیابی و سنجش

بدنی در برخی از کشورها مورد توجه خاص قرار گرفت، البته نه در کشورهای آزادی که برجسب حکومت فاشیستی به آن‌ها خورده بود؛ به ویژه در آلمان غربی. همچنین، فرایند فرهنگ جسمانی در دهه‌ی ۱۹۵۰ در آلمان شرقی و دیگر کشورهای اروپای شرقی تحت سلطه شوروی، شروع شد.

در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰، اولین حرکت توسعه‌ی سیاسی و فرهنگی در غرب اروپا توسط جامعه‌ی اقتصادی اروپا (بازار مشترک)، شروع شد. به نظر می‌رسد در اروپای غربی، مفاهیم تربیت بدنی در آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰، برخی مشابهت‌های بین فرهنگی داشته‌اند. این مشابهت‌ها را می‌توان از موضوع، هدف‌ها و ساختارها به دست آورد. با وجود این، نظام‌های مدرسه‌ای و آموزش و پرورش ملی در

مفهوم تربیت بدنی در اروپا



کشورهای اسکاندیناوی نیز ورزش سنتی لینگ سوئدی گامی به جلو برداشت و به آموزش تندرستی^{۱۴} (بهداشت) ارتقا یافت.

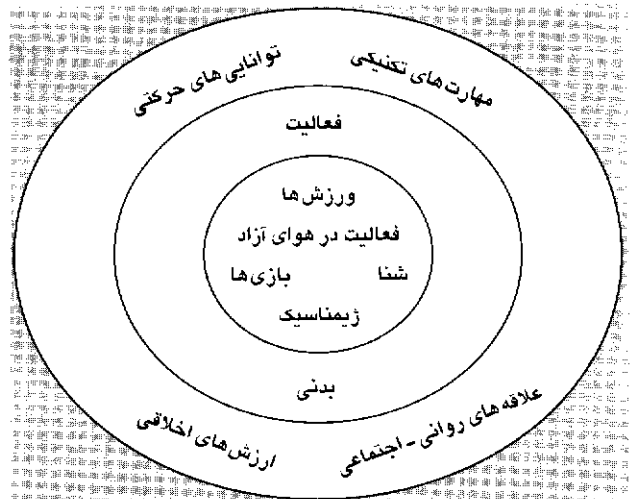
بالاخره در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، سه مفهوم جدید از تربیت بدنی در اروپا شکل گرفت: آموزش حرکت^{۱۵}، آموزش بهداشت، آموزش ورزش^{۱۶}. با وجود این، در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، مفهوم سنتی تربیت بدنی هنوز هم در برخی کشورها دیده می‌شد. البته با جذب بعضی عناصر روزآمد، هدف‌ها و محتوای جدیدی پیدا کرد.

یکی از اقدام‌های روزآمد دهه‌ی ۱۹۷۰، گنجانیدن انواع ورزش‌ها در تقریباً همه‌ی مفاهیم تربیت بدنی (به جز مفهوم حرکتی) بود و هدف‌ها، یکی حمایت از افراد جوان و با استعداد برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی قهرمانی، و دیگری توسعه‌ی «راهبرد ورزش همگانی» (تفریحی) بود. در دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، در بسیاری از کشورهای اروپایی، توجه به روحیه‌ی ورزشی و فعالیت‌های ورزشی در مدرسه‌ها، جنبه‌ی اجباری پیدا کرد. ضمناً، در برخی کشورها (آلمان شرقی و آلمان غربی) نام بعضی موضوعات از

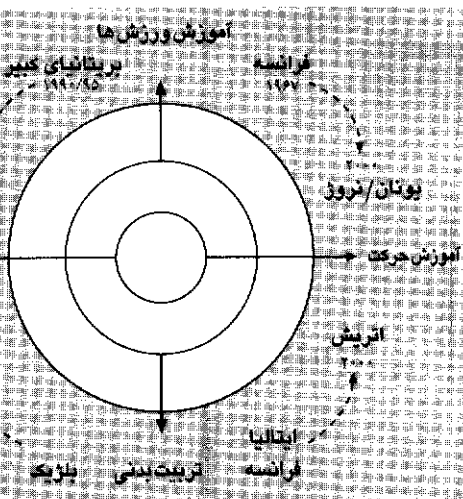
همچنین، در این دوره شاهد آن هستیم که بین کشورهای اروپایی، درباره‌ی توسعه‌ی علم تربیت بدنی اختلاف‌هایی وجود دارد. برای مثال، در برنامه‌های تربیت بدنی کشورهای اسکاندیناوی و مرکز اروپا، کم‌تر از رشته‌های ورزشی استفاده می‌شده است، و این در حالی است که از مقایسه‌ی برنامه‌های بریتانیای کبیر و آلمان در دهه‌ی ۱۹۶۰ بی‌می‌بریم که آلمان‌ها کم‌تر از بازی‌ها در برنامه‌ی درسی مدرسه‌های خود استفاده کرده‌اند.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، ما شاهد جهت‌گیری‌های جدیدی در توسعه‌ی تربیت بدنی هستیم. یکی از این جهت‌گیری‌های قوی که علت آن سیاست‌های جنگ سرد بوده است، نحوه‌ی توسعه‌ی ورزش قهرمانی در آلمان شرقی در سال ۱۹۶۵ و جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۶۸ است. برنامه‌ی جمهوری فدرال آلمان برای توسعه‌ی ورزش قهرمانی خود در آن دوره، در سال ۱۹۶۷ به خارج از آلمان سرایت کرد و توسط فرانسه پذیرفته شد. در همان زمان، مفهوم دیگری از تربیت بدنی در کشور هلند شروع به پیشرفت و توسعه کرد که به نام «آموزش حرکت تعاملی»^{۱۷} شهرت یافت. در

بخشی از رشد بدنی، یادگیری روانی اجتماعی و ساختن شخصیت دانش‌آموزان. بنابراین تعجبی ندارد که برنامه‌ی آموزش جدید تربیت بدنی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ در سرتاسر اروپای غربی، پنج عامل اساسی حرکتی را در دل خود دارد. سه شاخه‌ی اصلی عبارت بودند از: گسترش توانایی‌های حرکتی و مهارت‌های تکنیکی، یادگیری نگرش‌های روانی-اجتماعی، و ارزش‌های اخلاقی و پاکدامنی و محتوای سنتی تربیت بدنی نیز عبارتند از: نرمش‌های^{۱۸}، بازی‌ها^{۱۹}، ورزش‌ها^{۲۰}، شنا^{۲۱} و فعالیت‌های هوای آزاد (خارج از سالن)^{۲۲}. این پنج نوع فعالیت بدنی، میراث ملی کشورهای اروپایی در دهه‌ی ۱۹۶۰ هستند. البته هنوز در سرتاسر اروپا و بین کشورهای اروپایی، شکل‌های دیگر از ورزش مدرسه‌ای، انواع بازی‌ها، ورزش‌های گوناگون، تکنیک‌های شنا و فعالیت‌های ورزشی دیگری در هوای آزاد وجود داشتند که فعالیت‌های حرکتی آن‌ها، با هم تفاوت داشتند.



شکل ۱. مفهوم سنتی تربیت بدنی در دهه ی ۱۹۶۰.



شکل ۲. مفهوم تربیت بدنی در اروپا

تربیت بدنی به ورزش تغییر یافت و در برخی کشورها، ضمیمه ی واژه ی تربیت بدنی شد؛ برای مثال در کشور فرانسه «ات اسپرت»^{۱۷} و در سوئد «ایدروت»^{۱۸} شد.

در دهه ی ۱۹۸۰، برخی معیارهایی که درخصوص مسائل بین فرهنگی بین کشورها به وجود آمد، باعث تغییراتی در مفاهیم تربیت بدنی در غرب و نیز در شرق اروپا شد. سال های طلایی تربیت بدنی در دهه ی ۱۹۷۰ در بسیاری از کشورها تحت الشعاع قرار گرفت که نشانه های آن عبارتند از: کمی بودجه، افزایش نرخ معلمان بی کار، کاهش جدول زمانبندی، و تغییرات سیاسی و اقتصادی ارزش ها و ملاک ها در جامعه. در دهه ی پست مدرنیسم و انقلاب محملی، در برنامه ی آموزشی تربیت بدنی در دهه ی ۱۹۸۰ تغییراتی اساسی به وجود آمد که سرانجام باعث

تفکر جدیدی درباره ی استانداردهای سنتی و جدید در آموزش تربیت بدنی بین ملت های اروپایی، در اوایل دهه ی ۱۹۹۰ و بعد از پیمان ماستریخت^{۱۹} شد. چهار مفهوم و استاندارد اصلی تربیت بدنی عبارت شدند از: میراث فرهنگی تربیت بدنی و آموزش ورزش و آموزش حرکت و آموزش بهداشت. در دهه ی ۱۹۹۰، در آن دسته از کشورهایی که فقط یکی از این مفاهیم در آن ها غالب بود، موضوع جنبه ی هماهنگ تری پیدا کرد و به همه توجه شد. برای مثال، در آلمان، مفهوم آموزش ورزش با راهبردهای حرکتی و تندرستی معینی در آموزش تربیت بدنی جنبه ی متعادل تری پیدا کرد. در سوئد پس از اصلاحات آموزشی و تغییر نام به ورزش به ایدروت، حرکت به سمت تندرستی ورزشی آغاز شد و این نام ورزش به سلامتی^{۲۰} تغییر یافت. به همین

ترتیب، در آموزش مجدد تربیت بدنی در چک، فرهنگ بدنی تغییر و آموزش تندرستی نام گرفت. هرچند در اتریش برخی مفاهیم سنتی تربیت بدنی در هدف های آموزشی دهه ی ۱۹۶۰ به آموزش حرکت تغییر جهت دادند، ولی زیربنای مفاهیم اصلی تربیت بدنی در دهه ی ۱۹۹۰ روز آمد شد، بدون آن که مفاهیم و راهبردهای اصلی نادیده گرفته شوند. برای مثال، در کشورهای انگلستان، ولز و ایرلند شمالی، این تغییر جهت شامل آموزش ورزش ها شد، در فنلاند به آموزش بهداشت و در هلند به آموزش حرکت تبدیل شد. در خاتمه، می توان گفت، دهه ی ۱۹۹۰ نه تنها دهه ی بحران در تربیت بدنی بود، بلکه دهه ی اشاعه ی مفهوم هماهنگی بیش تر و توسعه ی مفاهیم تربیت بدنی در بسیاری از کشورهای اروپایی شد.

مفومی که از تربیت بدنی در کشور هلند شروع به پیشرفت و توسعه کرد، آموزش حرکت تعاملی بود

زیر نویس

Naul, Roland(2002). Concepts of Physical Education. ICSSPE. February. No32. P: 14-15	1. Gymnastics	Streicher	12. Outdoor Activities	16. Sport Education concept
	2. German Tumen	6. Herbert	13. Interactive Movement Education	17. Et sport
	3. Liengian	7. Bukh	14. Health Education	18. Idrott
	4. English Games & sports	8. Gymnastics	15. Movement Education concept	19. Masstricht Treaty
	5. Gaulhofer&	9. Games		20. Health Education
		10. Sports		
		11. Swimming		